

کیا رستمی

و نشان «فیلمینی»

آن شب بیاد ماندنی
در تالار بزرگ یونسکو

گزارش از: عطا آیتی (پاریس)

پذیرائی بوفه‌ای ۵۰۰ شرکت‌کننده این مراسم را تأمین کرد که با توجه به سلیقه و اشتباهات حضار می‌توان سنگینی این هزینه را حدس زد. در مراسم یونسکو، پیش از نمایش فیلم «طعم گیلای» ژان کلود کاریر - سینماگر معروف فرانسوی - ویژگی‌های فیلم‌های کیارستمی و سبک فیلم‌سازی او را تشریح کرد و گفت: «در جهان آثار هنری بسیار نادری همانند فیلم‌های کیارستمی وجود دارند که دارای هویتی محلی و جهانی باشند»

کیارستمی را قبل از نمایش فیلم به روی صحنه خواندند تا راجع به خودش و فیلم‌هایش سخن بگوید، اما کیارستمی گفت: من حرفی برای گفتن ندارم، بعد از اینکه فیلم را هم دیدید حرفی برای گفتن ندارم. حرف‌های مرا در فیلم خواهید دید.

بعد از نمایش فیلم طعم گیلای فدریکو مایور دبیرکل یونسکو روی صحنه آمد و گفت: ما مضمون فیلم‌های شما را، آقای کیارستمی، پیام عشق و امید به زندگی، و ترویج صلح، دوستی، انسان‌گرایی و عدم خشونت تلقی می‌کنیم. من بنام سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد

(یونسکو) و به سبب آثار ارزشمند شما برای جهان سینما چهارمین نشان پلاتینی و لوحه آزادی و مدارا جوانی را به شما هدیه می‌کنم.

جایزه‌های متعلق به همه ایرانیها

گزارشگران زیادی که عموماً نمایندگان رسانه‌های معتبر اروپا بودند بعد از این مراسم طالب مصاحبه با کیارستمی شدند. اما وی به دلیل گرفتاری فراوان از اکثر آنها عذرخواهی کرد. اما به من (به

گرچه کیارستمی چندی قبل هم جایزه نخل پلاتینی فستیوال کن را از آن خود کرده بود (مشارکتاً با یک فیلمساز ژاپنی) اما اهمیت گزینش و جایزه یونسکو در این است که بزرگترین سازمان فرهنگی جهان و در حضور نمایندگان سیاسی و فرهنگی تمامی کشورهای عضو این سازمان جایزه فیلمینی را که دریافت آن آرزوی غولهای سینمای جهان است، به کیارستمی اعطا کرد.

باید دانست گرچه سازمان یونسکو با توجه به جنبه‌های بالنده فرهنگ ایران و نیز قابلیت‌های کیارستمی چنین گزینشی را انجام داده بود، لیکن



از راست: پیرو (رئیس جشنواره کن)، عباس کیارستمی - فدریکو مایور (دبیرکل یونسکو)

برخی اعضای آن، بویژه نماینده اسرائیل، با این گزینش مخالفت می‌کردند. اما دکتر احسان تراقی مشاور ایرانی فدریکو مایور (دبیرکل یونسکو) و تنی چند دیگر از ایرانیان به مقابله با این مخالفت‌ها برخاستند و زمینه‌ساز اجرای مراسمی شدند که چند روز مهم‌ترین رویداد فرهنگی - هنری فرانسه بود. در خور یادآوری است که گروهی دیگر از ایرانیان مقیم فرانسه در برگزاری این مراسم مساعدت‌های شایانی کردند و از جمله یک رستوران ایرانی هزینه

یک فیلم‌ساز ایرانی برای اولین بار نشان نخل پلاتینی «فیلمینی» را دریافت کرد. او عباس کیا رستمی بود که این جایزه برجسته سازمان یونسکو را علی‌رغم مخالفت سفیر اسرائیل (و چند نفر دیگر که متأسفانه یک نفرشان خودی است!) دریافت کرد و در محافل هنری - فرهنگی اروپا، بویژه فرانسه هیجانی بی‌سابقه را برانگیخت. اکنون که من این گزارش را می‌نویسم ۴ روز است ۹ سینمای پاریس فیلم «طعم گیلای» را نمایش

می‌دهند و به نظر می‌رسد این فیلم که نمادی است از سینمای صاحب اندیشه و فرهنگ غنی ایران، تا مدت‌ها بر پرده سینماهای فرانسه - و اروپا - بدرخشد.

یونسکو قبلاً ۳ بار این جایزه را اعطا کرده بود، اما نه به اشخاص، بلکه به سازمانها... به این شرح ۱- به مجموعه کارهای جشنواره بین المللی فیلم کن که کاترین دو نو هنرپیشه مشهور فرانسوی آن را به نمایندگی از آن جشنواره دریافت کرد. ۲- جشنواره فیلم سوشی (Soshi) روسیه و کانال تلویزیونی فرانسوی - آلمانی

موسوم به آرت (ART)، بنابراین کیارستمی اولین کسی است که این جایزه را «شخصی» دریافت کرده است.

این جایزه در پایان کنفرانس عمومی یونسکو که هر دو سال یکبار برگزار می‌شود، در ۲۲ آبان (۱۳ نوامبر) در تالار بزرگ یونسکو با حضور شخصیت‌های برجسته سیاسی - فرهنگی - علمی کشورهای مختلف و ۱۵۰۰ تماشاگر ایرانی و خارجی به کیارستمی اهدا شد.

اجتماعی است.

* دورکیم، جامعه شناس معروف فرانسوی، خودکشی را یک امر اجتماعی و نه روانشناسی تعریف می‌کند، آیا برداشت شما از خودکشی در این فیلم به فراتر از بُعد اجتماعی آن می‌رود؟

• حدود ۷۰٪ مردم در طول زندگی خود لااقل برای یک بار ب فکر خودکشی می‌افتند، یعنی باید خودکشی را بعنوان یک پدیده رایج زندگی بشر امروز تلقی کرد که البته علل میل به خودکشی نیز متفاوت است، در ایران هم متأسفانه این مقوله گریبانگیر جوانان ایرانی شده است. طبق آمار از هر ۱۲ نفری که تمایل به خودکشی دارند، ۱۱ نفر جان خود را حفظ می‌کنند، آقای بدیمی [هنرپیشه فیلم طعم گیلان] جزو آن ۱۱ نفری است که خود را نجات می‌دهد، یعنی با انگیزه خودکشی که مقوله اجتماعی است شروع می‌کند، اما انرژی زندگی او را دوباره دعوت می‌کند به ادامه زندگی، بدین دلیل آقای بدیمی جزو آن ۱۱ نفر قرار می‌گیرد و نه جز آن یکی‌ها...

• این همان تناقضی است که در تمام رباعیات خیام وجود دارد. منظور من این نیست که بخواهم فیلم را با شعرهای خیام قیاس کنم. همانطوری که در شعرهای این شاعر تناقض وجود دارد امکان ندارد شما به زندگی فکر کنید، بدون اینکه نگران مرگ نباشید، یعنی اینکه مرگ همیشه زندگی را تهدید می‌کند، اگر زندگی را دوست داشته باشید در این صورت می‌بایست فکرتان متوجه مرگ نیز باشد. این تناقض در ذات زندگی است، همانند روز و شب، زمستان و تابستان، رنج و شادی. طعم گیلان یادآوری می‌کند که زندگی یک انتخاب است و جبری در آن نیست و اگر شما بدانید که زندگی را انتخاب کرده‌اید، آنوقت بهتر و راحت‌تر به زندگی ادامه می‌دهید. طعم گیلان فیلمی است درباره خودکشی که خشونت در آن مطرح می‌شود، اما باید دو چیز را از هم مجزا ساخت، خود خشونت و بیان خشونت، زیرا که در همه جا خشونت آرام و پنهانی جریان دارد؛ خشونتی که یک تهدید است، یک مبارزه طلبی و یک شورش که سر چشمه احساسات

یک گزارشگر ایرانی) جواب رد نداد. یا او مصاحبه مفصلی انجام دادم که به دلیل محدودیت صفحات «گزارش» فشرده آن را در زیر تقدیم خوانندگان گرامی می‌کنم:

* چه احساسی دارید از اینکه فیلم طعم گیلان، در بهار امسال در شهر کن جایزه نخل زرین جشنواره کن را، و اکنون نشان فلینی یونسکو را برده است؟

• جایزه یونسکو فوق العاده مهم است و از این بابت بسیار خوشحال هستم. فکر می‌کنم که ایرانیان در هر کجا باشند از این موفقیت شادمان خواهند شد. کسی نمی‌تواند ایرانی باشد و از موفقیت یک ایرانی در جایی دیگر خوشحال نشود و همانطوری که بارها گفته‌ام این جوایز متعلق به یک شخص نیست، بلکه متعلق به تمام مردم ایران است.

* عنوان فیلم شما طعم گیلان است، ولی محتوای فیلم بر محور خودکشی می‌چرخد، در اینصورت تناقضی بین تیترو محتوا وجود ندارد؟ این تناقض را چگونه توضیح می‌دهید؟

دومین راهنمای سال کشاورزی، دامپروری و آب ایران

منتظرند

- شامل آخرین تغییرات در بخشهای اداری و سازمانهای کشاورزی، جهاد سازندگی و نیرو
- بهترین آمار تولید
- و مصرفی بیش از ۱۵۰۰ شرکت، کارخانه،
- موسسه و سازمان تولیدی و خدماتی در
- بخشهای مختلف کشاورزی، دامپروری و آب

لطفاً برای خرید کتاب سال کشاورزی و دامپروری و آب، به آدرس: ۱۴۱۵۵-۵۴۶۷ مکانبه نمایندگی، تلفن: ۸۸۴۲۷۳۰ فاکس: ۸۸۳۲۳۶۱

IRANIAN AGRICULTURAL YEAR BOOK

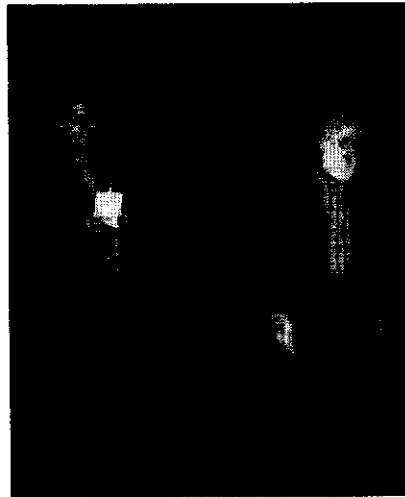
دسته گل به آب داده نشد!

پسندی قبل، هنگام اعطای جایزه، تحمل طلائی قستیرالکن به کیارستمی، خاتم کاترین دونو، هنریشه معروف فرانسوی طبق رسوم مسجافل هنری عربی کیارستمی را بوسید. کیارستمی شرد طالب این بوسه نبود و حتی عناقگیر شد. اما بهرحال همین موضوع تعدادی از مطبوعات را عیوش نیامد و آن را عملی مغایر با باورهای اسلامی دانستند که حق هم داشتند. اما بعضی ها هم البته راه افراط پیمودند.

با توجه به این سابقه، دکتر احسان ترقی به خاتم زولیت پینوش (هنریشه فرانسوی و برنده جایزه اسکار بمنتاسبت بازی در فیلم «بیسار انگلیسی» که طبق برنامه قرار بود دسته گلی به کیارستمی اهدا کند) توصیه کرده بود مبادا کیارستمی را بوسند، دکتر ترقی آنقدر این تذکر را تکرار کرد که خاتم پینوش بجای دادن دسته گل به کیارستمی، تقریباً آن راهبه سوری وی پرت کرد و خودش بسمت از این دستپاچگی به خنده افتاد!

بهر حال در این مراسم، مشابه مراسم قستیرالکن، هنریشه زن خارجی، دسته گل داد، اما دسته گل به آب نداد!

دارد» و حتی در طعم گیلان (در برج نگهبانی کارگر افغانی، تصویری از میشل پلاتینی



سمت راست دکتر احسان ترقی (مشاور یونسکو).

سمت چپ عباس کیارستمی در مراسم ویژه یونسکو

فوتبالیست سابق تیم فرانسه، آویخته شده

است)... آیا این توجه

ناشی از علاقه خودتان به

بازی فوتبال است و یا

معول شسيفتگی مردم

نسبت به این بازی است؟

● این نگاه درست به

واقعیت هاست. به هر حال،

این بازی مردمی ترین

ورزش دنیا است که با یک

توپ بی ارزش و ۲۲ نفر

بازیگر انجام می شود و

میلیونها نفر در سراسر دنیا

آن را تماشا و تعقیب

می کنند. بنابراین، من

می گویم این بازی

محترمانه ترین ورزش

است...

اینجا به نظر من یک

مبارزه ای است با مفهوم

گسترده تر و آن هم تعریف

درست ورزش است و

همانطوری که مشاهده

می کنید در فوتبال به محض

اینکه کسی به کسی دیگر تنه می زند، کارت زرد می گیرد و بیرون می رود. ولی در مشت زنی اگر کسی دیر مشت بزند این را خطا می گیرند، حتی در بازی کشتی هم همینطور است: تا طرف را خاک نکنید، امتیازی نمی گیرید. در فوتبال چنین مسائلی برعکس است و این مجموعه امتیازات فوتبال است که مرا بعنوان انسانی که فوتبال را دوست ندارم وامی دارد به آنها توجه کنم.

● نظر تان در مورد سینمای ایران چیست؟

● سینمای امروز ایران، ریشه در فرهنگ

ایران دارد، یکی از امتیازاتی که سینمای ایران دارد

شاعرانه بودن آن است، این امر محدود به فیلم های

من نمی شود، بسیاری از فیلم های فیلمسازان ایران

که به خارج می آیند (و حتی آنهایی که به خارج راه

نمی یابند) ماهیتی شاعرانه دارند و نگاهشان همانند

شاعر است به زندگی و مسائل اجتماعی زمان خود.



شرکت ایران هواسازان

سهامی خاص

بزرگترین تولید کننده هواکش های صنعتی - سابکلون - پرده هوا در ایران

نماینده انحصاری معتبرترین سازندگان هواکش های صنعتی جهان

با بهره گیری از مدرن ترین سیستم های آزمایشگاهی از قبیل اتاق تست صدا - تونل باد

**سفارش خاص
نیاز به
تولید کننده خاص
دارد**

تلفن: ۶۶۲۸۷۹۹-۸۸۲۱۸۳۳ فاکس: ۸۸۲۵۲۲۸

دفتر فروش: انقلاب، اول خیابان مفتح، ساختمان جم، طبقه همکف